

★

سال سوم، شماره ۱۰۰  
دو شنبه ۹ شهریور ۱۳۶۰

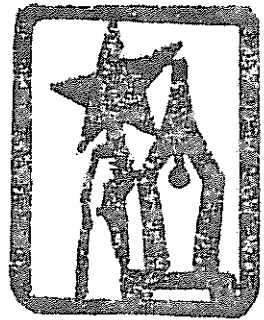
۴ بار در هفته منتشر می‌شود

# رهائی

## ویژه مبارزات توده‌ای

### تربیه سازمان وحدت کمونیستی

# سرفگون باد رزیم اسلامی



رناله پوری از حوادث میگرد. سیاست کار - اگر بتوان آنرا سیاست نامید - این بود که چگونه جهت توجه و همکاری مجاهدین شود. گرایش در مرکز آنیک و ضد امپریالیستی مجاهدین - در عین حال که واقعیت داشت - بیسرت مستکمی در آنه بود که بیرون بودن جیب امپریالیست. امر جیب کسی بود که میتوانست بگوید بایک نیروی در یک سرات در امپریالیست نباید شدد شد؟ که سی البته چنین نصیحتی وئی برداشتن بایسن سوال صراحتاً یوشنی بود که آگاهانه یا ناآگاهانه بر این امر کشیده میشد که جیسرا نیروهای جیب قبل از همکاری با این نیروی زحکرات و سسه امپریالیست

در یکی دو هفتاد اخیر تا همه تحولاتی بودیم که در صورت ادامه و تصحیح پاره‌ای از اشکالات باقیمانده، میتواند در تعیین سرنوشت جنبش جیب در ماهمهی ما بسیار موثر افتند و تقاضای باشد برای کامهای سریعتر بعدی. اینسن تحولات عبارتند از:

- ۱- تسریع پروسه توهم زدایی در مورد مجاهدین در جنبش جیب
- ۲- شواهدی از بصیرت بیشتر نسبت بنمود در جیب بطور کلی و بالاحره
- ۳- از بین رفتن کامل توهمات در مقابل رزیم که منجر به ارائه مواضع جدید شده است.

ما در زیر به این نکات صیردازیم.

### توهم مجاهدین در جنبش جیب

آنچه که ما آنرا " توهم مجاهدین " نامیده بودیم قبل از حوادث اخیر ابعادی یافت که نه تنها نگران کننده بلکه طح کننده شده بود. مجاهدین بیسن جنبه خود و مواضع بیسنابسی خود، جنبشی بسی از جیب را طح کرده بودند. این جنبش از جیب در آرزوی اتحاد با مجاهدین نه قادر بود به نمود بپردازد. نه رفتنی واقعی به اتحاد میان جیب نشان میداد، نه ستوانت منسی صحیح و مستقی اتحاد کند و نه علا کساری ببیز

در صفحات دیگر:

- \* سربت نجات " آماده است مرا در سوراخ موتر خیزد ماید ؟
- \* استخبار از برده حربه کهنهی کابینه کس؟
- \* زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
- \* گزارشی از وضع کارگران کوه بیزخانه های آبیک

و .....

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

### سرنگون...

نیتوانند بین خود وحدت عمل لازم را -  
 لاف در زمینه های مبنی - بوجود آورند.  
 "بذابت" همکاری با مجاهدین - احتیالا بعلت  
 فرستادن که در آینده فراهم میآورد - هر نوع  
 اسل گزای رانعت انشعاع قرار مینماید.  
 این تونیسیم بمعنای واقعی خود بسیاری را  
 رادار کرده بود که نشانان بسوی میان بر زدن به  
 تاریخ سابقه بگذارند. حرکات عبولانسه و  
 نشانیه را دیدیم و دیدید.

رسمی شدن همکاری مجاهدین و بنی صدر  
 و بخصوص نحوه اعلام آن که بوضوح بیابان علنی  
 دست گیری قطعی مجاهدین بود و با در رهائی ۱۶  
 در آن پرداختیم. پس از حندی که آثار به  
 نیز آن فرونشست عکس العمل های خود را بوجود  
 آورد. بخشی از چپ ایران که قادر نبود از قبل  
 این انتخابات مجاهدین - انتخاب بین راست و  
 چپ - را به این صورت پیش بینی کند در عمل  
 میسر به دلیل آن شد. در حقیقت بهتر است  
 بتوانیم آنقدر آنرا ندید تا آنکه کمترین کسی  
 با سرش - صیبات - میثاق بنی صدر و "سوی  
 طی صفاوت" را رفتای چپ در اعلامیه ها و  
 روزنامه ها خواندند. کسی با آنها در مورد  
 ایجادش مشورت نکرده بود ولی البته "نیم دری هم  
 صلحتا برای آنها باز گذاشته شده بود تا  
 اگر حوادث غیر متوقبه حکم کند، و یا اپروتونیسیم  
 نیروهای چپ تجویس برای شرکت در "حکومت باز  
 سازی جمهوری اسلامی" بیاید، این "نیم در"  
 هم حکم دخل را بیاید و هم احیانا مفهرا را.  
 احتمال می رود که این مدل بس استفاده هم  
 نماند و این احتمال نیز صمیم نیست که کماتس  
 تنها پس از ورود به آن دریافتند که باید در  
 کنار در رودی - در پائین اطاق - نشینند و  
 بعنوان شهروندان درجهی دو حضورشان فقط موجب  
 مشروعت جمع شود و نه چیزی بیشتر از آن. شهرت  
 وندان درجهی یک، نشینانند و نمیتوانستند  
 بخاطر این "امتیاز تاجیز - حضور رفا -  
 امتیاز های "ناممقول" بدهند.

خوب باید - و به عقیده ی ما بسیار خوب -  
 صورت واقعت خطوط را مشخص کرد. توهیم  
 مجاهدین "توسط آنها و اجباری که در آن قرار  
 گرفته بودند کمزنگ شد و این نکته قاعدتا برای  
 هفت روشن شد که مجاهدین بین چپ و بنی صدر  
 این دروسی را انتخاب میکنند. این همان چیزی  
 بود که لمس شد. اگر کسی هنوز توهی در این  
 حود دارد، رویا زده ی بی فرجایی است. تعداد  
 چنین کسانی نباید در حال حاضر زیاد باشد.

### بصیرت چپ

این ساله بلافاصله آثار خود را بوجود  
 آورد و آن این بود که موجب شد اجبارا در

چپ توجه بیشتری بخود، و بصیرت بیشتری نسبت  
 به امکانات خود و شرایط گسترش آن بوجود  
 آید. آن بخشی از چپ که در مورد مجاهدین  
 توهیم بود، پس از این واقعه یا باید دلگردد و  
 مایوس میشد، یا باید ناگهان بصورت قهرمانی  
 درصافه که حالت سترونی دیروز را با توست  
 دون کینوت مابانهی جدید جانشین میکرد و در دام  
 توهی نو میافتاد که گویا تنهایی کسبکاری  
 کارستان خواهد کرد، و یا اینکه قدری واقمع  
 گرا تر میشد، به اطراف خود نظر می انداخت و  
 درک میکرد که اگر هنوز امید فرجیست هست  
 در اتحاد نیروهای چپ است. چنین پیداست که  
 احتمال این شق اخیر از همه بیشتر است با این  
 ملاحظه که هنوز انتخاب آن با صراحت اسلام  
 نمیشود و این شاید باین خاطر باشد که هنوز  
 نوعهایی در مورد شق دوم وجود دارد. گرایش  
 به دون کینوتیم.

اگر چنین است و اگر بیشترین تعداد باین  
 نتیجه رسیده اند که چرانی که به خانه روست به  
 صحت حرام است، شاید بتوان گفت یکی از فرصت  
 های نایبیت برای اتحاد عمل نیروهای چپ در  
 زمینه های مشخص بوجود آمده است. امید آنکه  
 میدان طبقاتی ما، صلحت جویی های غیر اصولی  
 را تحت انشعاع قرار دهد.

### زوال کامل يك توهیم با سابقه

درک این ضروریات که بحثهای کامپیای  
 اساسی در شرکت به پیش جنبش چپ باید تلقی شود  
 بدون تودیه راه را برای گامهای بعدی و اتخاذ  
 تاکتیک مبارزاتی و تعمیق محتوای آن بساز کرد  
 است. هم اکنون شاهد برداشتن یک گام بعدی  
 توسط یکی دیگر از سازمانهای مبارز چپ  
 - فدائیان ( اقلیت ) - هستیم. سر مقاله ی کار  
 شماره ی ۲۱ هم نشانهای از گامهای اساسی  
 ترق و هم گام اخیر را در بر دارد. در این  
 زمینه توضیح میدهیم.  
 کمونیست ها بطور کلی خواهان - گروسی  
 رژیمهای بورژوازی و خرده بورژوازی هستند.  
 خواست کمونیستها سیادت طبقاتی طبعی کارگر،  
 شکل دولت کارگری - و سپس اصحاب آن - است.  
 اما این هدف استراتژیک بمعنای آن نیست که در هر  
 لحظه ی شخص امکان و ابزار عملی شدن آن وجود  
 دارد و به همین دلیل است که این  
 هدف استراتژیک همواره بصورت شعار روز مطرح نمیشود.  
 این هدف استراتژیک برای آنکه بصورت هدف  
 مرحله ای درآید شرایط عینی و ذهنی خاصی  
 را میطلبد که همواره فراهم نیست.  
 اما آیا سرنگونی یک رژیم معین غمیر

کارگری بطور خود بخود بمعنای استقرار یک رژیم  
 کارگری است؟ طبیعی است که چنین نیست.  
 انواع رژیمهای غیر کارگری میتوانند تا زمانیکه  
 شرایط سیادت طبقاتی کارگران فراهم نیامده  
 است بدنیال هم استقرار شوند. بنابراین این طرح

## جمهوری اسلامی دشمن زحمتگشان، حامی سرمایه دار

عشق خود را از رژیم نشان میدهند. از تودم‌های ها و اکثریتی هاب این خائنین به سوسیالیسم و طبقه

کارگر - که بگذریم، گروه هنوز متوهم به رژیم، این رژیم گشاد جبهه نیز با آنکه تمام ارکان هنوز قابل توبه است، مهربانانه تنها اکثریت جامعه را تشکیل نمیدهند بلکه به حداقل خود رسیده اند. این بخش تظلم یافته ضعیف‌تر از آن است که با ادامه کار تبلیغی و ترویجی مخالفین رژیم هوشیار شود. گمانیکه تا همین امروز مداخله رژیم انقدر بی‌جنايات آنرا توجیه میکنند و صحیح میدانند آن بخش از توده‌های بی‌عاقبت اند که صرفا در هنگام جنگ مگس است به سر عقل بیایند. نامل برای روشنگری برای این بخش از توده، خود توهم جدیدی است. نشانی است و یا آنقدر به کفای انجام بگیرد که هیچ بخش دیگری از نیروهای طرفی و یا توده‌های آگاه، حرکت خود را بخاطر رسیدن بانگ جرس کاروان جلاقان به تاخیر نخواهد انداخت. کار حزب الله و توده‌های آنان با کرام الکاتبین است و کسیکه تصور کند با افسوس، چند صندلی بیشتر از رژیم، یا کشته شدن عده‌ای دیگر از سارنین، یا آدایه‌ی وضع بصورت کنونی، این بخش ضعیف را از رژیم جدا خواهد کرد در اشتباه بزرگی بسر میرود. رژیم جمهوری اسلامی، و همه‌ی رژیمها، بهم حال بخشی از توده‌های ناآگاه را با خود دارند و این رژیم نیز استثنا نیست و بر عکس بخاطر جنبه‌ی مذهبی آن پیشتر عتبات روی تعداد این هواداران حساب کند. کونیتها باید تضمین بگیرند که آیا بعنوان ضرورت تکیه بر توده‌ها، امید این را دارند که این بخش از هواداران صرفت و عقب مانده‌ی رژیم را نیز در شرایط صلح آگاه کنند و یا آنکه معتقدند شروع جنگ و آدایه‌ی آن در شرایط صلحی و بسراری بخش صلحی از آنها بزرگترین آموزگار است. بنظر ما طیف هواداران رژیم و قوه‌میسر، به حداقل خود در شرایط صلح رسیده است و تحت این عنوان که هنوز بخشی از توده خواهان سرنگونی رژیم نیست نباید جدال قطعی را به توجیهی انداخت. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باید در دستور بلا فصل کلیه نیروهای کونیت قرار گیرد و بمنزله مهمترین شعار روز مطرح شود. عسدم طرح این شعار در شرایط کنونی نه تنها نشاننده از ملاحظه کاری نظری تحت پوشش تبعیت از توده‌ها است بلکه توهین به آن بخش عظیمی از توده‌ها است که این خواست خود - سرنگونی رژیم - را با ابراز ناراضی شدیده از وضعیت سیاسی اقتصادی نشان میدهند. عسدم طرح این شعار تحت هر مستحکم نشانه از این دارد که خود این نیروهای سیاسی هنوز نسبت به رژیم متوهم هستند. هنوز خصوصیات ضد آمریالیستی و ضد سرمایه داری را در رژیم جستجو میکنند. نگاهی به گذشته و حال این سازمانها این سردرگمی و جهالت صرف را نشان میدهد. این توده‌ها نیستند که عقب مانده اند. این رهبران خود کاردهی آنانست که از قاطع عقیده

شمار سرنگونی يك رژيم مشخص غير کارگری الزاماً بمنای اعلام آماده بودن شرایط برای تشکیل حکومت کارگری نیست.

با علم به این موضوع است که طرح یا عدم طرح شعار سرنگونی يك رژيم مشخص از جانب کونیتها نه بعنوان يك موضوع صرفاً اعتقادی و دراز مدت، بلکه بعنوان تنظیم برنامه‌های معین جاززاتی در نظر گرفته میشود. در اعلام مشخص این شعار دیگر صالح بایستن گویند نه در نظر گرفته نمیشود که هر عمل و فعالیت کونیتها کاری است در جهت سرنگونی رژیم در دراز مدت، (اگر که بهتر حال صحیح است) بلکه بایستن نکه اشاره شود که شرایط عینی و ذهنی تغییر رژیم فراهم است و باید برای آن برنامه رخته

این نکه ابامدیهی است که کونیتها خود به تنهایی بدون پشتیبانی نیروهای اجتماع سیاسی نه میتوانند اقدامی جهت سرنگونی يك رژيم مشخص انجام دهند و نه بخواهند چنین کنند. صالهی بصر توده‌ها و ایجاد حرکت اجتماعی - و بهتر بگویم جهت دادن به حرکات اجتماعی موجود - برای کونیتها يك امر بیخوشی است. بخشی از جهان بینی آنهاست. کونیتها حرکت توده‌های مردم را از این لحاظ نخواهند که در مبارزاتی در خدمت اهداف غیرین داشته باشند. شرکت توده‌های مردم يك امر کلی و کسک زمانه نیست بلکه صالهی ای کیفی است. بیوند کونیتها ها و توده‌های مردم همانند بیوند افسران و سربازان نیست بلکه بیان و نشانه‌ی رابطه‌ی ارگانیک اجزای يك کل - جنبش - است. بدهون شرکت توده‌های مردم هر حرکتی و بسو بظاهر مترقی، ولو در لحظه موفق، بدون تودیک به بدترین نوع حاکمیت برگردگان و تجدید تولید جیاسمعی طبیعتی ضعیف خواهد شد. بنابراین کونیتها هرگز فراموش نخواهند کرد که آرائی برنامه‌های که جسم انداز حمایت توده‌ای را در بسر نداشته باشد، محکوم به شکست است.

در ماههای اخیر این نکه روز به روز روشنتر شده است که بخشهای بزرگی از توده‌های مردم - و بهتر است گفته شود که اکثریت نفیس جامعه - که بنسوی از انحاء در حرکات اجتماعی زیدخل هستند - به رژیم جمهوری اسلامی وفادار نیستند، سهل است، بخش عظیمی از انسان این تامل را نشان میدهند که خواستار رژیم دیگری هستند. فقر روزافزون توده‌های مردم جنبایات سبمانه‌ی رژیم، بهم رختگی اوضاع اجتماعی، عدم تأمین معیشت، سرکوب و خیانته‌ی حقیقت دیکراتیک... از صالهی نیستند که آید کسی پنهان مانده باشد و یا آنکه کس را بی نصیب گذارده باشند. همه‌ی اقتدار جاسمعه چیز بخشی که در اسارت بی امان توهنات عقیدتی خود حاضر است رژیم کنی چهنسی شود که رژیم آفریده است، به انواع طرق و شیوه‌ها ناراضایی

### برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتگشان: انقلابی دیگر باید



برنامه ها بلکه جدیدیت چپ را در اجرای برنامه‌های خود بپوش درك کنند. کافی نیست به توده های زحمتکش گفته شود که ما کمونیست هستیم و طرفدار شمایم پس شما باید به اردوی ما پیوسته باشید. گوش زحمتکشان از آوای تروتسکی خواهی! سلطنت طلبان، انسان دوستی! لبرالها، دستفروشانی! اصلاحیست برنده است. آنها، آری دوباره میگویم، بدرستی اصلاحیست ما را باور ندارند. برنامه‌ی واقعی و عملی ما را نخواهند و در میزان جدیدیت ما در عمل تفاوت میکنند. تصمیم گیری توده ها پس از تفاوت است.

برای سرنگونی رژیم جمهوری اصلاحی متحد با چینیم! شعار سرنگونی رژیم را بیسک محور اساسی تبدیل کنیم! حقانیت بدیل چپ را در مقابل بدیلیهای دیگر برای توده های زحمتکش اثبات کنیم! با ارادتی برنامه‌ی مشترک و عصبان در راستای آن شایسته‌ی اعتماد توده های زحمتکش شویم!

رققا، رققای کمونیست! پس از قیام بهمین باید متحد میشدیم، تشدید. پس از یورش ۲۸ مرداد ۵۸ بایستی متحد میشدیم، تشدید. پس از تشدید یورش فاشیستی در بهار ۵۹ بایستی متحد میشدیم، تشدید. اینها، همه را از سر گذراندیم. توده ها بمانند اعتماد شدند. توده ها بدنبال بدیلیهای دیگر رفتند. اما اینبار اگر متحد نشویم توده ها بسزای همیشه بمانند خواهند کرد. ما را بمنوان خائنین به خلق خواهند شناخت. این مائیم که با عدم اتحاد خود راه را برای دیگران هموار کرده‌ایم. این چیزی بجز خیانت نیست. خیانت به خلق، خیانت به خود. اینها از هیچ دیده ای پنهان نیفتادند. گردانهای سلطنت طلبان مزدور شکل بگیرد. وعده های بنس- صدر ها بگفته‌ی خودش بصورت سب اندازیها "طنین ضاعف مییابد. و ما هنوز با میگوئیم اگر فلان گروه نباید من نصیبم! و یا تصور میکنیم یک تنه آنچه را که باید بشود میکنیم. آیا بس نیست!

بهرحال طرح شخص ساله‌ی سرنگونی از جانب رققای اقلیت مورد استقبال ماست، هرچند که رققای شمار بیشین خود تشکیل مجلس موسسان کنند که از آنها که تشکیل مجلس موسسان بدون سرنگونی رژیم صبر نیست پس در گذشته هم آن شمار اعتبار شمارگونی را داشته است! این نتیجه شفاف تر از آنست که نتوان توده‌هاست گذشته‌ی رققا از برای آن دید. رققا به جنبش کمونیستی و به توده های مردم بدون هستننده که واقعیات را توضیح دهند. به مردم بگویند که "سرنگونی حزب جمهوری اسلامی تشکیل مجلس موسسان، و انواع و اقسام شمارهای ناکام عمل و گمراه کننده مورد انتقاد آنهاست.

### محور اتحاد

بنظر ما سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی - و بطور اخص سرنگونی قهر اخیر آن - بمنوان یکی از اساسی ترین محور ها میتواند و باید در اتحاد نیروهای چپ نقش بازی کند. اتحاد نیروهای چپ - اتحاد مرحله ای، برنسی-امسه ای، آکسونی... فقط بر اساس یک منشور مسعود توافق که یکی از محور ترین اصول آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است میتواند نقش خلاق در کمک به بدیل شدن چپ، شناساندن آن و خواسته‌های آن به توده های مردم، افشاء بدیلیهای کاذب و فرسوخ - بدیل لبرالها و سلطنت طلبان - داشته باشد. چپ مبارز و رادیکال با ارادته‌ی این منشور و عمل جهت سرنگونی رژیم و تحقق مفاد این منشور، خود را به توده های مردم خواهد شناساند. خط تمایز خود را با سایر بدیلیها مشخص خواهد کرد و نشان خواهد داد که میتواند بمنوان یک نیروی جدی مورد اعتماد توده های مردم زحمتکش قرار گیرد. چپ باید بگوید که ما این هستیم، این را میخواهیم، و برای تحقق آن این چنین عمل میکنیم. رژیم جمهوری اسلامی سرنگون شدنی است. چپ ایران تنها در صورتی حق دارد که بمنوان بیسک بدیل شناخته شود که سهیم را در سرنگونی آن بازی کنند. توده های مردم بدرستی نسبت به دعاوی با نگاه تردید میکنند. توده های مردم بهمین سیاق نسبت به اقدامات بلا توضیح چپ نمیشوند. چپ ایران باید برنامه دهد و برای تحقق آن عمل کند. چپ ایران باید تفاوت برنامه و عمل خود را با سایر بدیلیهای موجود به توده های مردم شناساند. وسیعترین تبلیغ چپ متحد، رساندن صدا و تعیین هویت آن، پیش شرط سازدانه‌ی توده هاست. توده های مردم باید بدانند - و در گذشته ترین حد خود بدانند - که تفاوت عینی و ماهوی برنامه‌ی بنس صدرها، اختلافی فاحش و ماهیت تضاد برنامه‌ی سلطنت طلبان با برنامه‌ی چپ چیست. آنها باید نه تنها تفاوت

### با خوانندگان ...

به منظور وسیعتر کردن برد افشاری در شرایط خفتان بارگونی، سازمان ما وظیفه‌ی خود میداند که تعدادی از نشریه‌ی رهایی را مجاناً در میان زحمتکشان پخش کند. برای ادامه‌ی این راه و تأمین هزینه های لازم از دیگر خوانندگان رهایی میخواهیم تا با افزایش گسکهای مالی خود ما را یاری دهند.

## پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی